متهم در دادگاه قتل را به گردن همدست فراری اش انداخت

هدیه تولد شوم

گروه حوادث: کامران علمدهی/ پرونده دو پسر جوان که متهم‌اند در یک نبرد خیابانی با ضربات شمشیر و چاقو هم‌محلی خود را به قتل رسانده‌اند در حالی به دادگاه کیفری یک استان تهران رسید که یکی از آنها هنوز متواری است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، نیمه شب تابستان سال گذشته گزارش یک درگیری مرگبار در خیابان کرمان به پلیس پایتخت اعلام شد.

پس از حضور مأموران و بررسی‌های اولیه مشخص شد که جوانی به نام شاهرخ با ضربات متعدد جسم برنده به قتل رسیده است.

بررسی‌های اولیه پلیسی نشان داد دو جوان موتورسوار بعد از درگیری با مقتول از محل گریخته‌اند. ۴۰ روز بعد ازاین جنایت پسر ۲۳ ساله‌ای به نام حامد با مراجعه و معرفی خودش به پلیس آگاهی مدعی شد او و دوستش بهرام با شاهرخ درگیر شده‌اند.

پس از بازداشت حامد تلاش پلیس برای دستگیری همدستش بی‌نتیجه ماند و سرانجام برای هردو نفر به اتهام مشارکت در قتل و مشارکت در ضرب و جرح کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص و برای ضرب و جرح درخواست دیه کردند. خواهر مقتول نیز به قضات گفت: «متهمان فقط برادرم را نکشتند بعد از فوت برادرم مادرم از غصه دق کرد و مرد. ما به هیچ عنوان حاضر به رضایت نیستیم.»

سپس متهم به جایگاه رفت و با رد اتهام قتل و در تشریح ماجرا به قضات گفت: «ساعت ۱ بامداد در پارک گلبرگ بودم که دوستانم به من گفتند شاهرخ دنبال تو می‌گردد و می‌خواهد تو را بزند. من برای اینکه درگیری پیش نیاید به مغازه جگرکی در خیابان رسالت رفتم که بهرام هم آنجا بود. با هم جگر خوردیم و الکل هم مصرف کردیم، بعد سوار موتور شدیم و می‌خواستیم به خانه ما برویم که بین راه شاهرخ ما را دید و با موتورش به ما کوبید. بعد هم با دو قمه که داشت من و بهرام را زد. من ۸ ضربه خوردم و برای دفاع از خودم شمشیرم را بیرون کشیدم و یک ضربه سطحی به پشت کتفش زدم. پس از آن هم به او گفتم از هردوی ما خون زیادی می‌رود تمامش کن و برویم. بعد هم من به خانه رفتم.»

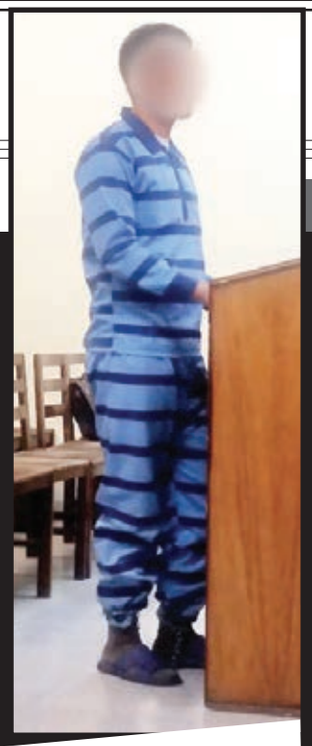

متهم افزود: «من نمی‌دانستم شاهرخ مرده است چون بعد از آن شب به ترکیه رفتم و یک ماه بعد که برگشتم موضوع را شنیدم و خودم را به پلیس معرفی کردم.»

قاضی پرسید: «چرا خودت را معرفی کردی؟»

متهم گفت: «چون بی‌گناه بودم و ضربه من کشنده نبود. بهرام ضربات کشنده را زد. با خودم گفتم من که کاری نکردم بهتر است خودم را معرفی کنم.»

در ادامه وکیل متهم به قضات گفت: «موکلم در همه مراحل بازجویی منکر قتل شده و خودمعرف بوده چون می‌دانسته کاری نکرده. در فیلم دوربین مداربسته هم مشخص است که جراحات عمیق را بهرام زده بود.»

قاضی در پاسخ به وکیل متهم گفت: «موکل‌تان در دادسرا به صراحت اتهام قتل را پذیرفته و اعتراف کرده است. در بحث ۸ ضربه قمه هم پزشکی قانونی اعلام کرده هیچ جای قمه‌ای در بدن متهم رؤیت نشده و فقط یک جوشگاه قدیمی دیده شده است.»

پس از آن وکیل متهم متواری به جایگاه رفت و گفت: «فیلمی که همکارانم از آن صحبت می‌کنند معلوم نیست تا چه حدی قابل اتکا است. شاید با هوش مصنوعی ساخته شده باشد. در مورد اتهام موکلم باید بگویم او یک بار به من گفته نه مقتول را می‌شناخته و نه با او خصومتی داشته. اختلاف میان حامد و شاهرخ بوده آنها به هم حمله کرده‌اند.»

قاضی از وکیل بهرام پرسید: «موکل شما علی‌رغم درج آگهی در جراید هنوز خودش را تسلیم نکرده با توجه به اینکه شما وکیل تعیینی او هستید آیا از او خبری دارید؟»

وکیل بهرام گفت: «خبر خاصی ندارم یکبار همان اوایل که وکالتش را به عهده گرفتم او را دیدم و بعد از آن هم دیگر خبری ندارم.»

در ادامه این جلسه وکیل اولیای دم به جایگاه رفت و گفت: «متهم روز اول خودمعرف به پلیس رفته و خودش را قاتل معرفی کرده بعد از اینکه وکیل گرفته حالا ادعا می‌کند فقط یک ضربه سطحی با شمشیر زده است. اما عکس‌هایی که از مقتول دیدم نشان می‌دهد که ضربه شمشیر آنقدر عمیق بوده که مرحوم را از پا انداخته است.»

متهم در دفاع آخرش گفت: «وقتی خودم را معرفی کردم از من پرسیدند مشارکت در قتل را قبول‌داری من فکر می‌کردم مشارکت یعنی همان ضربه سطحی با شمشیر است وقتی به زندان رفتم فهمیدم به قتل اعتراف کرده‌ام و مجازاتم قصاص است.»

قاضی پرسید: «شمشیر را کجا پنهان کرده بودی؟»

متهم گفت: «زیر زین موتورم جاسازی کرده بودم.»

در پایان وکیل اولیای دم گفت: «آنها به گفته خودشان برای قدرتنمایی در محل دست به این کار زده بودند و با نقشه شاهرخ را کشته‌اند. بهرام که حالا متواری است شب حادثه جشن تولدش بوده و چاقویی هدیه گرفته و دوستانش به او گفته‌اند این کادو برای زدن شاهرخ!»

قاضی از متهم پرسید: «آیا آن شب بهرام چنین کادویی گرفت؟»

متهم گفت: «بله. اما در جریان ماجرای بعد از آن نیستم.»

با پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

پایان ۴ ماه زندگی مخفیانه متهم به قتل

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ عذاب وجدان مرد شهرستانی از جنایتی که مرتکب شده بود او را پس از ۴ ماه فرار راهی کلانتری کرد تا اعتراف کند.

به گزارش «ایران»، شامگاه جمعه گذشته مرد جوانی خود را به کلانتری تهران نو رساند و به افسر نگهبان گفت: «من حدود ۴ ماه قبل در شهرستان مرتکب قتل شده و به تهران فرار کردم اما تا الان یک لحظه هم آرامش نداشتم. به همین دلیل تصمیم گرفتم خودم را معرفی کنم تا شاید کابوس‌هایم به پایان برسد.» متهم در ادامه گفت: «در یکی از شهرهای لرستان زندگی می‌کردم اما بر سر آب کشاورزی و اختلافات طایفه‌ای درگیری شدیدی داشتیم. بارها کار به زد و خورد کشید و هر بار با وساطت بزرگان درگیری به پایان می‌رسید. تا اینکه روز حادثه دوباره شنیدم که خانواده‌ام با طرف دیگر ماجرا دعوایشان شده است. خیلی عصبانی شدم و از این همه ناراحتی و دعوا خسته بودم. به همین دلیل تصمیم گرفتم آنها را بترسانم تا شاید دست از دعوا بردارند، بنابراین چاقویی را از داخل خانه برداشتم و راهی محل درگیری شدم. چاقو را بی‌هدف پرتاب می‌کردم تا بترسند اما ناخواسته چاقو به یکی از آنها اصابت کرد و کشته شد.»

متهم ادامه داد: «خیلی ترسیده بودم و شبانه از لرستان خارج شدم. در این مدت در چند شهرستان سکونت داشتم تا اینکه به تهران آمدم و مشغول کار شدم. اما عذاب وجدان رهایم نکرد. در نهایت امروز وقتی از مقابل کلانتری رد می‌شدم با خودم گفتم اگر می‌خواهی کابوس‌هایت تمام شود بهتر است خودت را معرفی کنی.» به دنبال اظهارات مرد جوان، بلافاصله موضوع به بازپرس محسن اختیاری اعلام شد و بازپرس جنایی دستور بازداشت مرد ۳۰ ساله را صادر کرد. با استعلاماتی که از سوی کارآگاهان جنایی از شهرستان محل حادثه صورت گرفت، صحت موضوع قتل تأیید شد و از آنجایی که جنایت در تهران رخ نداده بود، بازپرس شعبه اول دادسرای امور جنایی پایتخت با قرار عدم صلاحیت، پرونده را برای رسیدگی به لرستان ارجاع کرد.

دستگیری متهم در یک قدمی مرز

گروه حوادث: متهم فراری که پس از قتل راهی یکی از شهرهای شمال غربی کشور شده بود، تصورش را نمی‌کرد قبل از خروج از کشور بازداشت شود.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۱۱ مهر امسال مرد جوانی در تماس با پلیس از قتل برادرش خبر داد. با گزارش این خبر تیم جنایی راهی محل شده و با جسد مرد جوان داخل خانه‌اش مواجه شدند که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود. برادر مقتول که موضوع را به پلیس گزارش کرده بود در تحقیقات گفت: «برادرم به خاطر ارتکاب قتل ۱۰ سال از عمرش را در زندان گذرانده بود اما با سختی توانستیم رضایت اولیای دم را جلب کرده و ۶ ماه قبل او از زندان آزاد شد. بعد از آزادی با فردی اختلاف پیدا کرد. با هم کری خوانی داشتند و مدام درگیر بودند تا اینکه یک هفته قبل برادرم در یک درگیری او را کتک زد. قاتل هم کینه برادرم را به دل گرفته بود. شب حادثه من بیرون بودم و زمانی که بازگشتم قاتل را دیدم که هراسان از خانه ما خارج شد و زمانی که به داخل خانه رفتم با جسد خونین برادرم مواجه شدم.»

به‌دنبال اظهارات مرد جوان و شناسایی هویت عامل جنایت، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت راهی خانه متهم شده اما او همزمان با این جنایت متواری شده بود. در ادامه بررسی‌ها تیم جنایی رد او را در یکی از شهرستان‌های شمالی غربی کشور به‌دست آوردند. بلافاصله تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت راهی شهر مرزی شده و مرد جوان را قبل از اینکه مخفیانه از مرز خارج شود، دستگیر کردند. با انتقال متهم به تهران تحقیقات انجام خواهد شد.

از گوشه و کنار ایران

پلیس خودروهای رها شده را جمع می کند

طرح جمع‌آوری خودروهای رهاشده در شهر تهران و انتقال این خودروها به توقفگاه‌ها از سوی پلیس آغاز شد.

سرهنگ احسان مؤمنی، معاون عملیات پلیس راهور تهران بزرگ گفت: «این طرح از صبح دیروز و به دنبال مطالبه‌گری گسترده شهروندان درخصوص وضعیت خودروهای رهاشده در معابر و خیابان‌ها آغاز شد. هفته گذشته اطلاع‌رسانی لازم از سوی پلیس راهور انجام و به مالکان این خودروها فرصت داده شد تا نسبت به جابه‌جایی و تعیین تکلیف وسایل نقلیه خود اقدام کنند. این خودروها با ایجاد سد معبر، چهره شهری را نیز نازیبا کرده‌اند که جرثقیل‌های پلیس در مناطق مختلف پایتخت آنها را جمع‌آوری کرده و به توقفگاه‌ها منتقل می‌کنند. مالکان خودروهای رهاشده تا پیش از انتقال خودرو به توقفگاه فرصت دارند وسیله نقلیه خود را جابه‌جا کنند، در غیر این صورت خودروها به پارکینگ منتقل می‌شود و ترخیص آنها منوط به پرداخت هزینه‌های مربوط به حمل، نگهداری، عوارض و جرایم خواهد بود.»

سقوط مرگبار بانوی کوهنورد

بانوی کوهنورد که به ارتفاعات برفخانه طزرجان تفت رفته بود بر اثر سقوط جان باخت. محمد عشقی مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان یزد اظهار کرد: «این حادثه روز جمعه رخ داد و بر اساس اطلاع مرکز کنترل و هماهنگی عملیات، حادثه سقوط یک بانوی کوهنورد در ارتفاعات برفخانه طزرجان شهرستان تفت دره لابزرگ به پایگاه امداد و نجات کوهستان این شهرستان اعلام شد.»

مرگ کارگر در انفجار مخزن خالی سوخت

انفجار یک مخزن سوخت در طالب آباد انزلی منجر به مرگ یک کارگر و سوختگی ۲ نفر دیگر شد. یک منبع کارگری درباره جزئیات این حادثه به ایلنا گفت: «این حادثه پنجشنبه گذشته در یکی از سه مخزن خالی مجموعه سوخت که در حال تعمیر و پاکسازی بود به علت انباشت بیش از حد گاز رخ داده است.»

یک کارگر به نام «رضا باقرنیا» ۴۵ ساله با سوختگی ۱۰۰ درصدی در محل جان باخته و ۲ نفر دیگر با ۶۰ و ۴۰ سال سن دچار مصدومیت شده‌اند که وضعیت یکی از کارگران با درصد سوختگی بالا وخیم است. هرچند دلیل اصلی وقوع حادثه از سوی کارشناسان در حال بررسی است اما طبق گزارش‌های اولیه، این حادثه با انفجار یک مخزن خالی در حال تعمیر شروع شده است. بنا بر اظهارات فرماندار انزلی، مالک بخش خصوصی انبار سوخت بازداشت موقت شده است.

مرسوله شیشه در فرودگاه توقیف شد

۵۸۵ کیلوگرم الیاف آغشته شده به ماده مخدر شیشه در فرودگاه اصفهان توسط کارکنان پلیس فرودگاه‌های کشور کشف شد.

سردار رضا بنی اسدی فر، فرمانده یگان‌های انتظامی و حفاظتی فراجا بیان کرد: کارکنان پلیس فرودگاه اصفهان حین پایش مرسولات پستی که آماده ارسال به یکی از کشورهای اروپایی بود، به ۴۴ بسته الیاف ارسالی مشکوک و در خصوص احتمال حمل مواد مخدر به محتوای بار و فرد ارسال کننده مظنون شدند. با بهره‌گیری از ابزارهای تخصصی و بررسی دقیق‌تر مرسوله مذکور، مقدار ۵۸۵ کیلوگرم الیاف آغشته به مواد مخدر از نوع شیشه، کشف و ضبط شد. با شناسایی ارسال کننده مرسوله وی با مجوز قضایی دستگیر و پرونده قضایی در این خصوص تشکیل شد و به همراه متهم برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی ارسال شده است.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچك ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۴۸۶۴

آسان

	۲							۴
۱			۴		۶		۲	۵
			۷	۲	۳		۱	
	۴	۲	۶			۱	۹	
	۷		۹		۵		۸	
	۹	۱			۲	۵	۷	
	۵		۸	۶	۹			
۶	۸		۲		۱			۷
۲							۶	

متوسط

۸		۹						۷
۲			۷		۹	۸		
۳	۱				۴		۹	
				۵				۸
	۸		۲		۶		۳	
۹				۳				
	۶		۱				۷	۵
		۸	۳		۵			۶
۷						۳		۱

سخت

۶				۷	۴	۳		
			۳					۸
				۸		۹	۴	
	۱	۲		۴		۸		
		۷		۱		۴	۵	
	۴	۳		۹				
۲					۱			
		۱	۴	۵				۲

خیلی سخت

۸							۷	
			۱			۴		
			۳				۲	۵
		۷	۲	۹				
۶	۲			۴			۵	۷
				۶	۱	۳		
۹	۶				۸			
		۲			۹			
	۳							۸

حل جدول سودوکو شماره ۴۸۶۴

آسان

۶	۷	۳	۵	۸	۹	۱	۲	۴
۴	۵	۸	۲	۱	۶	۳	۹	۷
۲	۹	۱	۳	۴	۷	۵	۸	۶
۸	۶	۴	۹	۲	۳	۷	۱	۵
۵	۳	۷	۱	۶	۴	۸	۲	۹
۹	۲	۶	۷	۵	۸	۴	۳	۱
۷	۸	۵	۶	۹	۲	۱	۴	۳
۳	۴	۲	۸	۷	۱	۹	۶	۲
۱	۶	۹	۴	۳	۵	۲	۷	۸

متوسط

۷	۸	۹	۶	۲	۴	۳	۱	۵
۴	۳	۱	۷	۸	۵	۹	۲	۶
۶	۲	۵	۹	۱	۳	۴	۷	۸
۸	۱	۳	۴	۶	۲	۵	۹	۷
۹	۶	۲	۵	۷	۸	۱	۴	۳
۵	۷	۴	۱	۹	۳	۲	۸	۶
۲	۹	۸	۳	۴	۶	۷	۵	۱
۱	۴	۶	۲	۵	۷	۸	۳	۹
۳	۵	۷	۸	۱	۹	۶	۲	۴

سخت

۷	۶	۳	۸	۴	۱	۹	۵	۲
۱	۹	۴	۲	۵	۶	۸	۷	۳
۸	۵	۲	۹	۳	۷	۱	۶	۴
۶	۴	۷	۱	۸	۲	۳	۹	۵
۳	۸	۹	۵	۶	۴	۲	۱	۷
۴	۲	۱	۳	۹	۵	۷	۸	۶
۵	۳	۶	۷	۲	۸	۴	۲	۱
۲	۷	۸	۴	۱	۳	۵	۶	۹
۹	۱	۳	۶	۷	۹	۸	۴	۲

خیلی سخت

۸	۶	۵	۴	۱	۷	۳	۲	۹
۹	۲	۳	۸	۶	۵	۴	۷	۱
۷	۴	۱	۲	۹	۳	۸	۶	۵
۵	۸	۶	۷	۴	۲	۹	۱	۳
۲	۹	۴	۱	۸	۶	۷	۵	۳
۳	۷	۸	۹	۵	۱	۲	۴	۶
۶	۵	۷	۳	۲	۴	۱	۸	۹
۱	۳	۲	۶	۷	۸	۵	۹	۴
۴	۱	۹	۵	۳	۹	۶	۲	۷

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۸۸۵۷

جدول عادی

افقی:

۱- باقی گذاشتن - دانه روغنی و خوراکی
۲- تاراج - گرایش - محصل دانشگاه
۳- واحد مساحت - همین دم - روحانی مبارز دوره رضاخان - فلز هادی
۴- فصل سرما - به‌وسیله - ساز خوشبو!
۵- جد قوم عاد - وطن - خاتون
۶- چرم مخملی - از شاهان هخامنشی - خرد و کوچک
۷- ابزار نجاری - موشی - طریقه چاپ کردن با ماشین رتاتیو
۸- بن و بیخ - اندک و کم - جاروی دسته‌دار
۹- نهی کننده - بلوا - قیمت، بها
۱۰- ترمیم فرش - محل نگهداری اجناس اضافه - امر به پیمودن
۱۱- جمع شیء - ژاکت یا سویشرت کلاه‌دار - مسکوک نقره
۱۲- گویند با رنگ پاک نمی‌شود - پرده موسیقی - فک
۱۳- عدد تنها - آمد و شد - نوعی پارچه - سمت
۱۴- رنگ فرم اداری - شگفتی - سریالی از ابراهیم شیبانی
۱۵- بازیگر فیلم «آدم فروش» (روی پرده سینما) - عدد بلبل!

عمودی:

۱- مقابل «فرجام و انتها» - طبیعت‌گرایی
۲- مقیاس تعیین شده برای نمره درس - نوزاد گوسفند - یال اسب - حجم هندسی
۳- فرو رفتن ظرف - سدی در استان مرکزی - مدرن - تلخ
۴- بانی ترکیه نوین - دو یار هم‌قد! - پایان
۵- تلفظ «ل» - تفریق عددی از عدد دیگر - ضد «ارزان»
۶- امر به ماندن - نوعی خوراکی ایرانی - کشت بارانی
۷- ضمیر اشاره برای نزدیک - آشفته، نامرتب - تابلوی آگهی
۸- مخزن اسرار - ناکارآمد و بی خود - حرف نداری
۹- منبع غنی پروتئین - کنایه از سخت و سمج - عصر
۱۰- فریادرسی - آشفتگی - فناوری اطلاعات
۱۱- کشاورز - آسایش - ورودی خانه
۱۲- وابسته، مربوط - راز - از انواع شنا
۱۳- شادمان شدن - از وسایل بازی - شاعر «یوش» - به غیر از
۱۴- ستاره - محصول مرداب - دوره تحصیلی - آبروباخته
۱۵- از قصص قرآنی - فریاد بلند

جدول ویژه

افقی:

۱- بافنده - مطالعه آثار طبیعی
۲- رام شده - تمیز - سریال محمد کاسبی
۳- ناخن چارپا - تشر زدن - اهمر - شهر «هلند»
۴- هواپیمای مسافربری - الفبای عمران - بنشن گرد دانه
۵- اصطلاح فوتبالی - هوای گرفته - نام دخترانه
۶- وینگر سابق «ساندرلند» - جدول عددی - سکه رایج هند
۷- اسم مصدر از «وزیدن» - فرمانروایان - قله استان کرمان
۸- درنده‌خو - قره قروت - کچل
۹- تمیز کردن با آب - احصائیه - خوش‌شانس کارتونی
۱۰- سبزی نقلی - بسیار باگذشت و فداکار - یکی از استان‌های «آنگولا»
۱۱- ساز قدیمی شبیه تار - رونق بازار - خدعه
۱۲- نوعی جنگ‌افزار - تشک موس - اثر «جویس کارول اوتس»
۱۳- تصدیق فرنگی - گیاهی مثل درختچه - برگشت دادن - صف و رده
۱۴- دچار آزردگی عاطفی شدن - پسوند نسبت - واحد وزن
۱۵- بازیگر سریال «وست‌ورلد» - اشک طبیعت بر گونه گل

عمودی:

۱- سازمان فضایی - تابلویی از «اگوست رنوار»
۲- از مقاطع مخروطی - شهر بادگیرها - چاشنی گوجه‌ای - تخلص استاد همایی
۳- زائوترسان - اصلاح عکس - عهد جوانی - فشفشه
۴- رئیس جمهور سابق «قرقیزستان» - پایه - شهر «هند»
۵- سرسرا - چمنزار - پیشوای هندی
۶- گاو مصریان - گردهمایی علمی - بدن درخت
۷- تنگه - نبرد - اتاقی در قطار
۸- تکان - روستایی زیبا در تربت جام - ایزد مصر باستان
۹- دزد تاریکی‌ها! - نان شیرینی از آرد برنج - ننگ
۱۰- جانوری از رده دوزیستان - سوار بی‌همتا - وزنی قریب ۳۰ گرم
۱۱- مخلوقات - عضو کابینه دولت - بزرگترین غده بدن
۱۲- کوه استان اردبیل - آسیب - ماده‌ای در پزشکی
۱۳- کلام تردید - خراش گاوآهن روی زمین - بانوی فرنگی - تیر پیکاندار
۱۴- بیماری سبزی و آب آلوده - شهر توت - برزن - ظرف مخروطی شکل
۱۵- بازیگر سریال «مردگان متحرک» - یورش

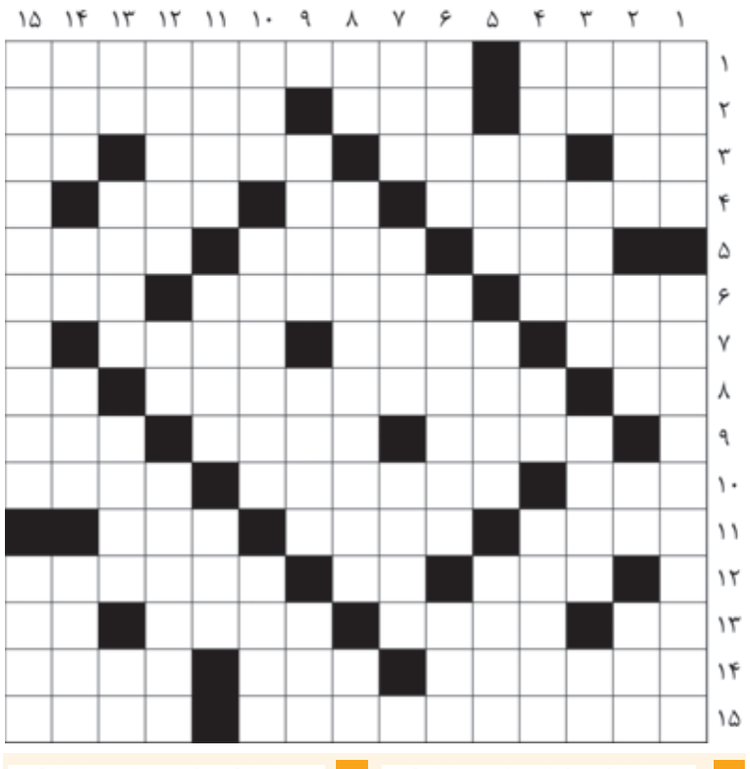

حل جدول عادی شماره ۸۸۵۶

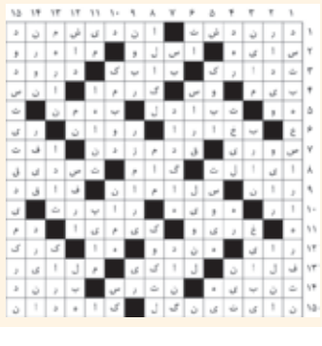

حل جدول ویژه شماره ۸۸۵۶